

سلام به فردا

مسئولیت ما، مسئولیت آنها



لیلی رشیدی

● در روزهای بدی زندگی می‌کنیم؛ روزهایی که ارزش هر چیزی با پول مشخص می‌شود؛ روزهایی که آموزش ما، بهداشت و درمان ما و حتی انسانیت ما با پول خریدوفروش می‌شود. چرا به این نقطه رسیدیم؟ چرا هنرمندی برای اینکه به دیدار کودکی سرطانی که آرزوی دیدنش را دارد، برود تقاضای پول و سکه می‌کند؟ راستش را بخواهید من نمی‌توانم او را قضاوت و سرزنش کنم. اتفاقا برعکس فکر می‌کنم گرفتن انگشت اتهام به سمت افراد آدرس غلط دادن است. منظوم این نیست که هنرمند مسئولیت اجتماعی ندارد. هنرمندی که شهرتی دارد و از آن کیف می‌کند و این شهرت برایش مایه فخر خود و احترام دیگران است، به همان میزان نسبت به جامعه‌اش مسئول است. هنرمند مسئول است و باید موضع بگیرد. او باید آنجا که لازم است در کنار مردم قرار گیرد. این قرارگرفتن در کنار مردم گاهی خودش را به شکل رای‌دادن برای تعیین سرنوشت نشان می‌دهد و گاهی به شکل شرکت در یک خیریه به‌نفع گروهی خاص. راستش را بخواهید همه هنرمندانی که من می‌شناسم، از آن دست افرادی هستند که کنار مردم می‌ایستند و خودشان را کنار نمی‌کشند. اما اگر هنرمندی مسئولیت اجتماعی خود را به‌جا نیاورد چه؟ بدتر از آن اگر خطایی از او سرزد چه؟ آیا باید او را فردی جدا از جامعه دانست یا باید به این فکر کرد چه شرایطی او را به این نقطه رسانده است؟ من فکر می‌کنم باید بیش از طرح مسائلی نظیر اینکه این هنرمند از شهرتش سوءاستفاده کرده، این موقعیت را یک زنگ خطر بدانیم؛ زنگ خطری که مدتی است در جامعه ما به صدا درآمده. وقت آن است که از این‌موارد جزئی فراتر برویم و این سؤال را مطرح کنیم که چه عواملی دست به دست هم داده‌اند که انسانیت با پول قابل‌خریدوفروش شده است؟ اینکه این تنها پول است که ارزش دارد، یک نگرش است و در تغییر نگرش تنها افراد نقش ندارند. برای تغییر نگرش همان‌قدر که هنرمند، کارمند، معلم، پزشک و... مسئول هستند، مسئولان نیز مسئولیت دارند. این‌تنها از عهده مسئولانی دلسوزو برمی‌آید. آنها مسئولیت دارند که به آسیب‌شناسی این پولی‌شدن همه‌عرصه‌ها بنشینند و راه خروجی از این شرایط پیدا کنند. برای تغییر این نگرش ما و آنها همگی مسئولیم.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۳۱ تیر ۱۳۹۵ • ۱۶ شوال ۱۴۳۷ • ۲۱ جولای ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۶۳۶ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۱۱ • اذان مغرب ۲۰:۳۷ • اذان صبح فردا ۴:۲۴ • طلوع آفتاب ۶:۰۵

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



علی میرایی

instagram.com/alimiraee

دولت ترکیه سایت افشاگر «ویکی لیکس» را فیلتر کرد



چک تایید شده جام ملت برگشت ناپذیر



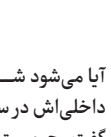
بانک ملت

bank mellat

www.bankmellat.ir

تخته سبز

اسرائیل، شانه‌دار مهاجم دریای خزر و حالتیلاپیا



مژگان جمشیدی

در شرایطی که سال‌هاست معرفی‌گونه‌های غیربومی به طبیعت ایران، بسیاری از گونه‌های بومی کشورمان را در معرض تهدید و نابودی کامل قرار داده است، اخیرا معاون اطلاعات و عملیات سازمان پدافند غیرعامل با بیان اینکه اسرائیل قسم خورده بود خاویار ایران را نابود می‌کند، عامل انتقال «گونه مهاجم شانه‌دار» به دریای خزر را که باعث کاهش ذخایر تاس‌ماهیان شده، رژیم صهیونیستی معرفی کرده است.
اینکه شانه‌دار مهاجم دریای خزر سهوا از طریق آب توازن کشتی‌ها وارد دریای خزر شده یا با هدایت رژیم صهیونیستی بوده، موضوعی است که قطع‌یقین، پدافند غیرعامل، پاسخ آن را می‌داند اما اکنون پرسش این است که مسبب معرفی این‌همه گونه‌های مهاجم گیاهی و جانوری به زیستگاه‌های داخل سرزمین در دو، سه دهه گذشته چه کسی است؟

فراموش نکنید که روستاها همیشه حافظ سنت‌ها بوده‌اند و تجدد در شهرها شکل گرفته. اگر به ترکیه سفر کرده باشید، دیده‌اید که در شرق ترکیه و حاشیه شهرهای اصلی این کشور، جریان‌های سنتی و محافظه‌کار و حتی مخالف مدرنیته بسیار قوی بوده‌اند و حالا در شرایط پس از کودتا می‌بینیم که اینها در حال نمایش قدرت

خسروپناه: شورش ده علیه شهر

برخوردار هستند، اما رفتارهای دولت ترکیه نشان می‌دهد که نوع این برخورد‌ها نه‌تنها دموکراتیک نیست بلکه برنامه‌ریزی‌شده است. مثلا قوه قضائیه که تاکنون چندین‌بار مقابل اردوغان ایستاده بود، حالا در شرف تسویه است. در هرکجای دیگر از جهان که باشد، کودتا براساس نتیجه‌بخش‌بودن یا نبودنش، شرایط متفاوتی ایجاد می‌کند اما در هر دو شکل، برخورد با مخالفان از طریق قانون و برگزاری دادگاه است اما همین حالا در ترکیه، فاجعه‌ای انسانی در حال شکل‌گرفتن است؛ از عریان‌کردن کودتاگران تا شلاق‌زدنش روی پل بسفور.
بعد از کودتا رابطه ایران و ترکیه چه تغییری خواهد داشت؟
قطعا یک ترکیه ثبات‌بنا برای ایران بهتر است از کشوری که در سایه مشکلات و دشمن‌های نامرئی زندگی می‌کند. اگر اقتدار ترکیه فرو بریزد، آسیب‌پذیری کشور ما هم بیشتر خواهد شد چراکه بسیاری دیگر از همسایگانمان هم شرایط خوبی ندارند. اما پیش‌بینی این وضعیت کار ساده‌ای نیست؛ آیا تغییری که اردوغان بناسد در قانون اساسی بدهد، به سرکوب خبرنگاران ختم خواهد شد یا نه؟ آیا در روزهای پساکودتا، بیش از قبل شاهد تقابل جریان‌های سنت‌گرای ترکیه خواهیم بود؟ و... این سؤالات‌ها و سؤال‌های بی‌پاسخ دیگری که باقی مانده، هم تحلیل ترکیه پساکودتا را مشکل می‌کند و هم مقایسه این کودتا را با کودتاهای مشابه در ایران و دیگر کشورهای جهان.

خود هستند. از سوی دیگر فقط چنین گروه‌هایی دور اردوغان را نگرفته‌اند، محافظه‌کاران، ناسیونالیست‌ها و فاشیست‌ها هستند و حتی برخی جریان‌های اسلام‌گرا.
چطور می‌شود در روزهای پس از کودتا که معمولا آشوب حکمفرماست، این نیروها با یکدیگر متحد شوند؟

من فکر می‌کنم که هر بخشی از جامعه یک پایگاه اقتصادی دارد که کودتا ضربه سنگینی به آن وارد می‌کند. درست است که بعضی از این گروه‌ها به‌لحاظ اقتصادی، بستری مستقل داشته‌اند اما به هر صورت، نسبت به تحولات سیاسی واکنش نشان می‌دهند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد که قرار بوده حساب‌عده‌ای در فرایندهای سیاسی ترکیه روشن شود و حالا که کودتا بهانه شده، این تسویه‌حساب در حال شکل‌گیری است. بنابراین شرایط پساکودتا در ترکیه به محلی برای انتقام بدل شده و به همین خاطر است که دولت از بخش‌هایی چون اقتصاد، آموزش‌وپرورش و... هم نگذشته و در پی سرکوب فهرستی است که از پیش تهیه کرده بود.
به نظر می‌رسد درک این شرایط سخت است چون در تاریخ معاصر چنین مواجیهایی با کودتاگران نداشته‌ایم.

بالاخره هر حکومتی فهرستی از مخالفان بالقوه خود دارد و براساس خطری که از سوی آنها احساس می‌کند، آنها را در فهرست اولویت‌بندی می‌کند. اگرچه براساس قوانین جهانی، حتی کودتاگران نیز از حقوق اجتماعی

روایت

تقاضای اقدامی فوری

برای چهلمین روز «نمردن» عباس کیارستمی

احمد میراحسان

البته ۴۸ عکس در قطع بزرگ که طی همین روزهای بیماری او چاپ شد و عکس‌های موزه‌های لوور که قبلا آماده شده بود، شاهکار عکاسی کیارستمی است و دو، سه‌ه کار تمام هم هست که فعلا حرف بر سر همین فیلم ۲۴ قطعه‌ای اوست و نمایشش در چهل‌م او... درست قبل از رفتن برای عمل جراحی دوم و پس از عمل جراحی قبلی، در بهمن‌ماه شاهد کار روی آخرین قطعه‌ها بودم. به مرور و طی چند دیدار سال پیش در خانه هربار چند تکه را نشانم داده بود و شبی هم که می‌رفت بستری شود، زنگ زده بود و گفته بودم تمام شده‌اند و حرف‌های دیگر...

بعد از عمل و در دیداری چند روز مانده به ماه رمضان که در خانه بستری بود و از لاهیجان به دیدارش آمده بودم، مدت‌زمانی طولانی من را نگه داشت و مفصل صحبت کردیم، از جمله درباره نمایش ۲۴ آن قطعه. با آن‌همه دشواری و ناتوانی و سخره به سختی‌اش، با اشتیاق و دقت به نظرم گوش داد. قبلا هم به او گفته بودم. این قطعات برای تماشا هر یک نیازمند یک فاصله‌گذاری‌اند. هی پرستار خانگی‌اش نگران حالش می‌آمد و هی او با دست اشاره می‌کرد که برود و بریده‌بریده حرف می‌زد و حرف می‌زدیم. می‌گفت پس از هر قطعه، مدتی در سیاهی موسیقی پخش شود و بعد از مکتبی گفت: پس از مکتبی، قطعه بعدی شروع شود. من موافق نبودم و در دهنم ابتکاری در نمایش، کاری بود در مایه آنچه ایتالیایی‌ها برای نمایش پروژه تعزیه او انجام داده بودند. از معماری سنتی تماشاخانه خود که یک کلوزنوم باستانی بود و طراحی عالی آن مخصوص تعزیه زنده و نمایش هم‌زمان با تماشاگران ایرانی می‌دانستم، در ایران، چنان هزینه‌ای کسی بر دوش نخواهد گرفت و پیشنهادم چیزی بود که او هم دوست داشت و به‌عنوان آزمایش با یک قطعه «اسب‌ها» در آخرین نمایشگاه عکس پس از عمل قلیش اجرا شده بود. لازم نیست بنایی تازه و گرد ساخته شود، یک سوله یا سالن مستطیل بزرگ هم کافی بود تا به ۲۴ غرفه از هم جدا با فاصله‌ای اندک از هم تقسیم‌شود و هر غرفه مثلا ۲۴ صندلی و پرده‌ای داشته باشد و در آن یک قطعه چهاردقیقه‌ای، بی‌درپی نمایش داده شود و در غرفه بعدی قطعه دیگر. حال تماشاگر می‌توانست از هرجا شروع کند و وارد غرفه‌ای شود و هرچند بار می‌خواهد مکرر یک قطعه چهاردقیقه‌ای را ببیند، اما ناگزیر می‌شد برای دیدن قطعه بعدی بیرون بیاید و برود غرفه دیگر و این فضای فاصله و مکث لازم را به وجود می‌آورد. گفتم حتی می‌تواند دقایقی معطل‌شود، هوا بخورد، چایی بنوشد، با دوستش کمی درباره فیلمی که دیده، صحبت کند و سپس وارد غرفه دیگر برای تماشای قطعه‌ای دیگر شود و لازم نیست همه فیلم‌ها را هم یک‌دفعه تماشا کند. این نمایش مثلا می‌تواند یک ماه طول بکشد و هر فردی برود و بار دیگر بیاید و چند قطعه دیگر را ببیند. این یک شیوه نوتناسب و در‌خور این تجربه آوانگارد کیارستمی بود.

امیدوارم به‌طور جدی این پروژه بگیری شود.

اثری که پیشنهاد می‌کنم در چهلمین روز سفر جاودانگی‌اش به تماشا نهاده شود. آخرین فیلم اثر اوست و برای نمایش نیازمند تمهیدات ویژه‌ای است.

پیشخوان

زیرزمینی با همکاری سودابه فضائلی، اسدالله امرایی و گیتا گرکانی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در این شماره آتما یادداشتی می‌خوانیم از سردبیر آتما با عنوان ما در کجای جهان ایستاده‌ایم و همراه با شعر، داستان ترجمه، داستان ایرانی و...

صدوهفدهمین شماره ماهنامه آتما منتشر شد. در این شماره پرونده‌هایی با موضوع «حقوق مؤلف در ایران» و «از موج ناب تا شعر حکمت» آمده است که در پرونده اول موضوع چاپ و نشر کتاب‌های



صدوهفدهمین شماره ماهنامه آتما منتشر شد. در این شماره پرونده‌هایی با موضوع «حقوق مؤلف در ایران» و «از موج ناب تا شعر حکمت» آمده است که در پرونده اول موضوع چاپ و نشر کتاب‌های